

کتاب دانیال — شماره یکصد و هفتاد و پنج

مسیح جلال یافته: موازات های نبوی در دانیال و مکاشفه

Jeff Pippenger

2024-04-05

رؤیای مسیح در فصل دهم دانیال، همان رؤیایی است که یوحنا در مکاشفه دید. آن رؤیای «marah» بود، که صورت مؤنث رؤیای «mareh» از ظهور مسیح است. «Mareh» رؤیای دو هزار و سیصد سال است، و معنای اصلی آن «ظهور» است. «ظهور» مسیح برای هر دو، یعنی دانیال و یوحنا، رؤیایی از مسیح جلال یافته بود.

उठाकर आंखें अपनी मैंने तब; था पर तट के हृदिकेल अर्थात् नदी बड़ी मैं दनि चौबीसवे के महीने पहल्लि और से सोने कुन्दन के ऊफाज कमर जसिकी, है पुरुष एक हुए पहनि वस्त्र का सन कहूं देखता क्या और, देखा उसकी, था देता दिखाई समान के बजिली मुख उसका, था समान के पुखराज भी शरीर उसका; थी हुई बंधी और, थे समान के रंग के पीतल हुए चमकाए पांव उसके और भुजाएं उसकी, थी समान के दीयों के आग आंखें
॥ 10:4-6 दानियेल था। समान के शब्द के भीड़ शब्द का बातों उसकी

واژه «mareh» که به معنای «appearance» است، در این بخش به صورت «lightning» of lightning ترجمه شده است. این واژه در فصل دهم چهار بار به کار رفته است، و دو بار به «vision» و دو بار به «appearance» ترجمه شده است. این واژه سه بار دیگر نیز در صورت مؤنث خود به کار رفته است. واژه «marah» صورت مؤنث رؤیت «appearance» است. این واژه به «looking glass» glass تعریف شده است، و قیدی «causative» است که هنگامی که دیده می شود، سبب وقوع چیزی می گردد.

قید سببی ایک ایسے صفتی لفظ سے ماخوذ ہوتا ہے جو کسی چیز کے وقوع کا سبب بنتا ہے یا کوئی اثر پیدا کرتا ہے۔ زبان اور قواعد میں، یہ اکثر ایسے افعال یا تراکیب کی طرف اشارہ کرتا ہے جو اس مفہوم کو ظاہر کریں کہ کسی شخص یا شے سے کوئی عمل کرایا جائے یا اسے کسی حالت کا تجربہ ہو۔

برای مثال، در جمله «او کاری کرد که او بخندد»، فعل «کرد» سببی است، زیرا نشان می دهد که فاعل (او) باعث شد مفعول (او) آن عمل (خندیدن) را انجام دهد.

«من اتومبیل را تعمیر کردم.» (در این جمله، فاعل «من» سبب شده است که شخص دیگری عمل تعمیر اتومبیل را انجام دهد.)

«او شاگردانش را واداشت تا برای امتحان درس بخوانند.» (در اینجا، فاعل «او» باعث شد شاگردانش در عمل درس خواندن برای امتحان مشارکت کنند.)

او موی خود را کوتاه کرد.» (در اینجا، فاعل «او» موجب شد که شخص دیگری عمل کوتاه کردن موی او را انجام دهد.)

"شرکت باعث شد ساختمان را بازسازی کنند." (در این جمله، شرکت موجب شد شخص یا اشخاص دیگری عمل بازسازی ساختمان را انجام دهند.)

«ما از کودکان خواهیم خواست که در انجام کارهای خانه کمک کنند.» (در اینجا، فاعل «ما» در نظر دارد سبب شود که کودکان در عمل کمک کردن به کارهای خانه مشارکت کنند.) در هر یک از این مثال ها، فعل های سببی (get, got, made) دلالت دارند بر این که فاعل باعث می شود شخص

دیگری عملی را که فعل اصلی مشخص می‌کند انجام دهد (study, cut, renovated, help) help)

”مَرَّاه“ کی رویا، یعنی ظاهری بیئت کی رویا، جب مؤنث صیغے ”مَرَّاه“ میں ظاہر کی جاتی ہے، اور جب اس کی تعریف ”آئینہ“ کے طور پر کی جاتی ہے، تو یہ اس امر کی نشاندہی کرتی ہے کہ ممجد مسیح کی رویا اُن لوگوں میں منعکس اور بازتخلیق ہوتی ہے جو اس رویا کو دیکھتے ہیں۔ جب دانی ایل نے مسیح کی ”ظاہری بیئت“ کو بجلی کی مانند دیکھا، تو ایک جماعت خوف سے بھاگ گئی، لیکن دانی ایل کے لیے اس نے اُس کے اندر ایک معجزانہ تبدیلی پیدا کر دی۔

و من، دانیال، بہ تنہایی این رؤیا را دیدم؛ زیرا مردانی کہ با من بودند، رؤیا را ندیدند؛ لیکن لرزشی عظیم بر ایشان افتاد، بہ گونه‌ای کہ گریختند تا خود را پنهان سازند۔ پس من تنها ماندم و این رؤیای عظیم را دیدم، و هیچ قوتی در من باقی نماند؛ زیرا شادابی چہرہ‌ام در من بہ فساد مبدل شد، و هیچ نیرویی در خود نگاہ نداشت۔ دانیال ۸، ۱۰:۷

حقیقت با واژہ عبری «حقیقت» نمایانده می‌شود؛ واژہ‌ای کہ از حرف نخست، حرف سیزدهم، و حرف آخر الفبای عبری ساخته شدہ است۔ حرف نخست و حرف آخر برای مسیح ہموارہ یکی ہستند، زیرا آلفا و امگا ہموارہ پایان را با آغاز نمایندگی می‌کنند۔ حرف میانی، یا حرف سیزدهم، نمایانگر عصیان است۔ دانیال می‌گوید: «و من، دانیال، بہ تنہایی رؤیا را دیدم»، اما مردانی کہ با دانیال بودند، و در عصیان بہ سر می‌بردند، «رؤیا را ندیدند»۔ بنابراین دانیال «بہ تنہایی» «آن رؤیای عظیم را دید»۔ در آغاز و در پایان، تنها دانیال رؤیا را دید، و اشارہ دوم سبب شد آنان کہ گریختند، عصیان خود را آشکار سازند۔ دانیال نمایانده قوم خدا در ایام آخر است کہ از طریق فرایند نگرستن بہ صورت او، بہ شباهت مسیح تبدیل می‌شوند۔ ما باید بہ رؤیای «آینہ» بنگریم۔

«لازم است کہ خدا را از طریق تجربہ زندہ بشناسیم۔ اگر در پی شناختن خداوند باشیم، خواهیم دانست کہ طلوع او همچون صبح مہیا است۔ مسیح ما را فرا می‌خواند کہ از تمامی پری خدا پر شویم۔ آنگاہ می‌توانیم بہ راستی کمال دین مسیحی را بازنمایی کنیم۔ نجات‌دهندہ اعلام می‌دارد: «ہر کہ از آبی کہ من بہ او می‌دهم بنوشد، ہرگز تشنہ نخواہد شد؛ بلکہ آبی کہ من بہ او می‌دهم، در او چشمہ‌ای از آب خواہد شد کہ تا حیات جاودانی می‌جوشد»۔ مسیح می‌خواہد کہ ما با او ہمکار باشیم۔ ہنگامی کہ از خویشتن تہی شویم، او فیض خود را بہ ما خواہد بخشید تا بہ دیگران منتقل کنیم۔ آن دو شاخہ زیتون، کہ از طریق آن دو لولہ زرین، روغن زرین را از خود جاری می‌سازند، بی‌گمان ظرف‌های تظہیرشدہ را با نور و تسلی و امید و محبت برای کسانی کہ نیازمندند، فراہم خواہند ساخت۔ ما باید بہ خدا بیش از خدمتی ناپیوستہ تقدیم کنیم۔ اما این را تنها از راہ آموختن از عیسی، و گرامی داشتن حلم و فروتنی دل او، می‌توانیم انجام دہیم۔ بیایید خود را در خدا پنهان سازیم۔ بیایید بہ او اعتماد داشتہ باشیم۔ بیایید در مسیح ساکن بمانیم۔ آنگاہ ہمہ ما «با چہرہ مکشوف، چون در آینہ بہ جلال خداوند می‌نگریم، بہ همان صورت از جلال تا جلال متبدل می‌شویم»—از سیرتی بہ سیرتی۔ خدا از من و شما امور محال انتظار ندارد۔ با نگرستن بہ او، می‌توانیم بہ صورت او متبدل شویم»۔ Signs of the Times، 25 آوریل 1900.

در دانیال باب دہم و باب نہم، جبرائیل تفسیر رؤیای نبوت، یعنی رؤیای خارجی و رؤیای داخلی، را بہ دانیال می‌دہد؛ و نخستین سخن دانیال در آیہ نخست باب دہم این است کہ او ہر دو رؤیا را فہمیدہ بود، کہ بہ صورت «امر» و «رؤیا» نمایش یافتہ اند۔ او آن فہم را در پایان بیست و یک روزی دریافت کرد کہ در آن‌ہا در ماتم بود۔ آن بیست و یک روز با آمدن میکائیل فرشتہ اعظم بہ پایان رسید۔ عدد دویست و بیست، و عدد بیست و دو، کہ یک دہم یا عشریہ‌ای از دویست و بیست است، نمادی است از اتحاد الوہیت با انسانیت؛ و در روز بیست و دوم بود کہ دانیال بہ صورت مسیح دگرگون شد۔

نان لذیذ نخوردم، و گوشت و شراب به دهانم درنیامد، و خویشتن را نیز به هیچ وجه تدهین نکردم، تا آنکه سه هفته کامل به انجام رسید. و در روز بیست و چهارم ماه اول، هنگامی که بر کناره نهر عظیم، یعنی حدّاق، بودم؛ آنگاه چشمان خود را برافراشتم و نگریستم، و اینک مردی را دیدم ملبس به کتان، که کمرش به طلای خالص اوفاز بسته شده بود. دانیال ۳:۱۰-۵

دانیال نماینده قوم خدا در ایام آخر است که از طریق کلام نبوی خدا دریافته‌اند که پراکنده شده‌اند، و بر حالت پراکندگی خود ماتم می‌کنند و در جست‌وجوی نورند. حالت پراکندگی آنان در باب سی و هفتم حزقیال به صورت دره‌ای از استخوان‌های خشک مرده به تصویر کشیده شده است. استخوان‌ها مرده‌اند و پراکنده‌اند، اما به عنوان خاندان اسرائیل شناخته می‌شوند. خاندان اسرائیل در ایام آخر همان صد و چهل و چهار هزار نفر است. آنان پراکنده‌اند، همان‌گونه که دانیال از کتاب‌های ارمیا و موسی دریافت. در حزقیال، این مردگان نشان می‌دهند که ایشان وضعیت خود را تشخیص می‌دهند.

پس او به من گفت: «ای پسر انسان، این استخوان‌ها تمامی خاندان اسرائیل‌اند؛ اینک ایشان می‌گویند: استخوان‌های ما خشک شده است و امید ما از میان رفته است؛ ما از برای خویشتن بریده شده‌ایم.» حزقیال ۳۷:۱۱.

خانه اسرائیل، که همان استخوان‌هاست، اعلام می‌کند که «از اجزای خود بریده شده‌ایم.» آنان وضعیت پراکندگی خود را تشخیص داده‌اند. خانه اسرائیل ایام آخر، مثل ده باکره را به دقیق‌ترین وجه تحقق می‌بخشد، و در تاریخ میلری، تحقق این شناخت که آنان از اجزای خود بریده شده بودند، در آن هنگام مشخص می‌شود که باکرگان دانا دریافتند که در زمان تأخیر به سر می‌برند، و نیز اینکه زمان تأخیر، دوره‌ای معین از آن مثل بود. آنان که در حزقیال وضعیت پراکندگی خود را تشخیص می‌دهند، همان کسانی هستند که پس از نخستین نومیدی دریافتند که در زمان تأخیر بودند.

بر دو—حزقی ایل کی پڈیاں اور دس کنواریوں کی تمثیل میں دانش مند کنواریاں—اکیس دنوں کے دوران دانی ایل کے ماتم کے ذریعے ظاہر کی گئی ہیں۔ اکیس دنوں کے بعد، بائیسویں دن، میکائیل نازل ہوا، اور دانی ایل کو مسیح مہجد کا ایک رویا عطا ہوا جس نے دانی ایل کو مسیح کی صورت میں بدل دیا۔ دانش مند کنواریوں اور مرده پڈیوں کو بھی اس تبدیلی کے عمل سے گزرنا لازم ہے جو آئینہ نما رویا کے ذریعے انجام پاتا ہے۔

دانیال، استخوان‌های خشک حزقیال، و باکره‌های دانای تاریخ میلری، همگی با آن دو شاهی که در باب یازدهم مکاشفه کشته می‌شوند، همسو هستند. موسی و ایلیا کشته شدند، اما مقرر بود که در پایان سه روز و نیم نمادین زنده شوند. موسی به دست میکائیل، چنان که در رساله یهودا مشخص شده است، زنده گردانیده شد.

فرشته مقرب میکائیل نیز، آنگاه که با ابلیس درباره جسد موسی مجادله می‌کرد، جرأت نکرد اتهامی توهین‌آمیز بر ضد او بیاورد، بلکه گفت: خداوند تو را توبیخ فرماید. یهودا ۱:۹.

در فصل دهم دانیال، دانیال پس از بیست و یک روز ماتم، هنگامی که میکائیل فرود می‌آید، رؤیای آیینہ‌سان را دریافت می‌کند. این صدای میکائیل است که مردگان را برمی‌خیزاند.

زیرا خود خداوند با بانگ بلند، با آواز رئیس فرشتگان، و با گرنای خدا از آسمان نازل خواهد شد؛ و مردگان در مسیح نخست برخاسته خواهند شد. اول تسالونیکیان ۴:۱۶

دانیال باب دهم، انتقال جنبش لائودیکیه‌ای فرشته سوم به جنبش فیلاذلفیه‌ای فرشته سوم را مشخص می‌سازد. این امر با دو شاهد مکاشفه باب یازدهم، استخوان‌های خشک حزقیال باب سی و هفتم، باکره‌های دانا در مثل ده باکره، و نیز میلری‌هایی که آن مثل را به انجام رساندند، هم‌راستا است. جبرائیل تفسیر رؤیای آیینہ عظیم را ارائه کرد، در حالی که کار تفسیر را که در باب نهم آغاز کرده

بود، به پایان می‌رساند. این تفسیر از طریق آن انجام شد که جبرائیل تاریخ نبوی مذکور در باب یازدهم را مشخص ساخت؛ تاریخی که در واقع تا سه آیه نخست باب دوازدهم ادامه می‌یابد. سپس در آیه چهار باب دوازدهم، به دانیال گفته می‌شود که کتاب خود را مهر کند.

در باب دهم دانیال، «حکم بر حکم»، دانیال نمایانگر قوم خدا در ایام آخر است؛ همان قومی که در باب دوم دانیال نیز به تصویر کشیده شده‌اند که با جدیتی تمام—زیر تهدید مرگ—در پی آن‌اند که پیام نبوی بیرونی را که به وسیله تصویر پنهانی نبوکدنصر از وحوش نشان داده شده است، درک کنند. او همچنین در پی فهم رؤیای پیام نبوی درونی است که به وسیله دو هزار و سیصد روز نمایان شده است. پس از بیست و یک روز نمادین ماتم در باب دهم، سرانجام چنین به تصویر کشیده می‌شود که هر دو مکاشفه را فهمیده است. فهم او هنگامی حاصل می‌شود که رئیس فرشته فرود می‌آید و او سه بار لمس می‌گردد.

تجربه او با میکائیل، رؤیای میکائیل که تنها خود او آن را می‌بیند، او را آماده می‌سازد تا تفسیر کامل هر دو رؤیای درونی و بیرونی نبوت را دریافت کند. این تجربه، هنگامی که با حزقیال باب سی و هفتم، مکاشفه باب یازدهم و اشعیا باب ششم همراه گردد، به صورت بسیار مفصل و سطر بر سطر بیان شده است. آیه باب یازدهم که در آن جبرئیل این دو رؤیا را به هم پیوند می‌دهد، آیه دهم است، زیرا در آنجا پادشاه شمال تا دژ پیش می‌رود، اما نه فراتر. دژ در آن آیه، بنا بر تعریفی که اشعیا در باب هفتم ارائه می‌دهد، همان ملت، یا پایتخت، یا پادشاه مصر است.

زیرا سر آرام، دمشق است، و سر دمشق، رصین؛ و در مدت شصت و پنج سال، افرایم چنان شکسته خواهد شد که دیگر قومی نخواهد بود. و سر افرایم، سامره است، و سر سامره، پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً استوار نخواهید ماند. اشعیا ۸:۷، ۹

در آیه دهم باب یازدهم دانیال، پادشاه شمال تا مرز مصر پیش می‌آید، و آیه آن را «دژ» مصر (پادشاه جنوب) تعریف می‌کند. می‌توان نشان داد که آیه دهم نمایانگر سال ۱۹۸۹ است، هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی به وسیله پاپیت و ارتش نیابتی آن، یعنی ایالات متحده، درهم روییده شد. این نخستین سه جنگ نیابتی بود که سرانجام در جنگ نیابتی سوم (پانیوم) به جنگ جهانی سوم بدل می‌شود. جنگ نیابتی دوم در آیات یازدهم و دوازدهم به تصویر کشیده شده است، و اکنون در اوکراین در حال وقوع است، جایی که روسیه نماینده پادشاه جنوب است، همان‌گونه که اتحاد جماهیر شوروی در شکست خود در سال ۱۹۸۹ نماینده پادشاه جنوب بود.

میں نے ماضی میں "سرد جنگ" کی تعبیر اس لیے استعمال کی ہے کہ ان تین نیابتی جنگوں اور عالمی جنگوں کے درمیان امتیاز واضح کیا جا سکے۔ یوکرین میں حقیقتاً جنگ جاری ہے، اس لیے یہ دراصل سرد جنگ نہیں ہے، بلکہ یہ پوپائیت اور اس کے اتحادیوں اور روس کے درمیان ایک نیابتی جنگ ہے۔ لیکن ایک تیسری عالمی جنگ ہونی ہے، جس میں عملاً ہر قوم کو ایک ہدف سمجھا جائے گا۔

«کاش قوم خدا نسبت به هلاکت قریب الوقوع هزاران شهر که اکنون تقریباً به بت‌پرستی سپرده شده‌اند، احساسی می‌داشتند!...»

«سرکشی تقریباً به حدّ نهایى خود رسیده است. جهان از آشفتگی آکنده است، و به زودی هراسی عظیم بر انسان‌ها نازل خواهد شد. پایان بسیار نزدیک است. ما که حقیقت را می‌شناسیم، باید خود را برای آنچه به زودی چون شگفتی‌ای سهمگین بر جهان فرود خواهد آمد، آماده سازیم.»
Review and Herald, 10 سپتامبر 1903.

در آیات یازده و دوازده، روسیه، پادشاه جنوب، سپاه نیابتی پاپیت را که در قالب رژیم نازی نمایان شده و هدایت‌کننده تلاش جنگی اوکراین است، و از سوی سپاه نیابتی پیشین پاپیت، یعنی ایالات

متحده، حمایت می‌شود، شکست خواهد داد. در جنگ جهانی دوم، سپاه نیابتی پاپیت، یعنی پادشاه شمال، در برابر روسیه کمونیست، رژیم نازی آلمان بود، و آن سپاه نیابتی شکست خورد، همان‌گونه که در آینده نزدیک بار دیگر در اوکراین نیز شکست خواهد خورد.

جنگ نیابتی سوم در آیات سیزدهم تا پانزدهم به تصویر کشیده شده است، و تحقق آن در تاریخ باستان در نبرد پانیوم به وقوع پیوست. جنگ نیابتی سوم به وسیله ایالات متحده، یعنی سپاه نیابتی پاپیت، اجرا خواهد شد، و پادشاه شمال در آن نبرد بر ضد الحاد غالب خواهد شد، همان‌گونه که در جنگ نیابتی نخست (جنگ سرد) غالب شد. در جنگ نیابتی نخست و سوم، پادشاه شمال—یعنی پاپیت—پادشاه جنوب (اتحاد جماهیر شوروی) را شکست می‌دهد، و سپس سازمان ملل متحد را نیز مغلوب می‌سازد. سپاه نیابتی او در آن دو نبرد، ایالات متحده بوده است و بار دیگر نیز خواهد بود.

ترامپ به عنوان هشتمین رئیس‌جمهور دوباره انتخاب خواهد شد؛ یعنی از میان هفت رئیس‌جمهوری که از زمان تحقق نخستین جنگ نیابتی (جنگ سرد) در سال ۱۹۸۹ در ایالات متحده حکومت کرده‌اند، و آن زمان، زمان آخر برای جنبش اصلاحی فرشته سوم بود. ترامپ نمایانگر شاخ جمهوری خواه بر وحش زمین است، و او در سال ۲۰۲۰ به دست وحش «آنتیسم ووک» زخمی مهلک دریافت کرد، در تحقق کشته شدن دو شاهد باب یازدهم مکاشفه در کوچه.

آینده برای آمریکا نمایانگر شاخ راستین پروتستان در همان تاریخ واحد است، و در سال ۲۰۲۰، «آینده برای آمریکا» به دست وحش «الحاد ووک» زخمی مهلک دریافت کرد. در سال ۲۰۲۳، بیست و دو سال پس از ۲۰۰۱، میکائیل فرود آمد تا فرایندی را که حزقیال، یوحنا، دانیال و اشعیا بازنمایی کرده‌اند آغاز کند؛ یعنی برانگیختن سپاهی عظیم که در قانون یکشنبه‌ای قریب الوقوع، چونان علمی برافراشته خواهد شد.

در سال ۱۸۵۶، جنبش میلری فیلادلفیایی به جنبش میلری لائودیکیه‌ای انتقال یافت، و در همان جا و در همان زمان، معرفت افزوده «هفت زمان» را رد کرد، و سپس در سال ۱۸۶۳ عصیان خود را به طور کامل نهایی ساخت. میلری‌ها از وضعیتی که به وسیله کلیسای ششم، یعنی فیلادلفیا، نمایان شده است، به تجربه کلیسای هفتم انتقال یافتند، و آن نقطه عطف با تاریخ ۲۰۲۳ همسو است؛ زمانی که جنبش لائودیکیه‌ای Future for America از تجربه کلیسای هفتم، دوباره به تجربه کلیسای ششم، یعنی فیلادلفیا، انتقال می‌یابد. در این کاربرد نوی، شاخ حقیقی پروتستان، همانند شاخ جمهوری خواه، هشتمین می‌شود؛ آن که از آن هفت بود.

کلید تشخیص اینکه جنگ اوکراین دومین جنگ نیابتی است، «دژ» مذکور در آیه ده و آیه هفت است. در آیه هفت، که نمایانگر آن بود که پاپیت در سال ۱۷۹۸ زخم مهلک خود را دریافت کرد، پادشاه جنوب به «دژ» پادشاه شمال داخل شد، و این امر هنگامی تحقق یافت که ژنرال ناپلئون به واتیکان وارد شد و پاپ را به اسارت گرفت. پادشاه جنوب به دژ داخل شده بود. در آیه ده، پادشاه شمال، که نمایانگر پاپیت و ارتش نیابتی آن، یعنی ایالات متحده، است، ساختار اتحاد جماهیر شوروی را جاروب کرد، اما «دژ» را برپا باقی گذاشت. «دژ» همان سر، پایتخت بود—روسیه.

اما «سر»، یا دژ، تنها بر پایه دو یا سه شاهد و با به کارگیری اشعیا باب هفت، آیات هفت و هشت، می‌تواند استوار گردد. اشعیا هفت، آیات هشت و نه، نقطه اصلی ارجاع در سلسله مقالات هیرام آدسون درباره «هفت زمان» بود که در سال ۱۸۵۶ منتشر شد. آن دو آیه‌ای که ثابت می‌کنند روسیه همان دژی است که در جنگ کنونی اوکراین غلبه می‌یابد، همچنین همان دو آیه‌ای هستند که نقطه آغاز هر دو «هفت زمان» را، بر ضد پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل، برقرار می‌سازند. آیه دهم از باب یازدهم رؤیای بیرونی را شناسایی می‌کند، که خواهر وایت تعلیم می‌دهد بر ظهور و سقوط پادشاهی‌ها مبتنی است.

»از فراز و فرود ملت‌ها، چنان‌که در کتاب‌های دانیال و مکاشفہ آشکار گردیده است، باید بیاموزیم کہ جلال صرفاً ظاہری و دنیوی تا چه اندازہ بی‌ارزش است. بابل، با تمام قدرت و شکوہ خود، کہ جہان ما از آن زمان تاکنون همانندش را ندیدہ است—قدرت و شکوہی کہ برای مردم آن روزگار چنان استوار و پایدار می‌نمود—تا چه حد بہ کلی از میان رفتہ است! چون ”گل علف“، نابود شدہ است. یعقوب 1:10. چنین بود نابودی پادشاہی ماد و پارس، و پادشاہی‌های یونان و روم. و چنین نابود می‌شود ہر آنچہ خدا را بنیاد خود ندارد. تنها آنچہ با مقصود او پیوند یافتہ و منش او را بیان می‌کند، می‌تواند پایدار بماند. اصول او یگانہ امور استواری ہستند کہ جہان ما می‌شناسد.» انبیا و پادشاہان، 548.

سہ جنگ نیابتی »در کتاب‌های دانیال و مکاشفہ بہ روشنی آشکار شدہ‌اند«، و کلید این حقیقت »دژ« مذکور در آیہ دہ دانیال یازدہ است. اما آیہ دہ ہمچنین بہ رؤیای درونی می‌پردازد، زیرا نقطہ آغاز ہر دو »ہفت زمان« نیز در اشعیا فصل ہفت، آیات ہشت و نہ، مشخص شدہ است. بیرونی و درونی را نمی‌توان از یکدیگر جدا ساخت، و آن دو دورہ دو ہزار و پانصد و بیست سالہ ہمچنین همان دو چوب حزقیال‌اند کہ چون بہ ہم پیوستہ شوند، مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار را نمایان می‌سازند؛ امری کہ همان پیوند الوہیت با انسانیت است.

تجربہ دانیال با رؤیای سببی »marah« نمایانگر خط نبوتی است کہ در آن میکائیل فرود می‌آید و قوم آخرالزمانی خود را قیام می‌بخشد. آن قیامت نمایانگر مراحلی است کہ مسیح بہ انجام می‌رساند تا الوہیت خویش را با انسانیت قوم آخرالزمانی خود متحد سازد. این امر از طریق پیوند ذہن الہی با ذہن انسانی تحقق می‌یابد، تا ایشان یک ذہن داشتہ باشند؛ و این در تالار عرش، در اقدس‌الاقداًس، بہ انجام می‌رسد، کہ همان »دژ«ی است کہ خواہر وایت آن را »ارگ« (دژ) جان معرفی می‌کند.

در حضرة العرش ينال شعب الله في الأيام الأخيرة فكر المسيح، ثم يجلسون مع المسيح في السماويات. والموضع السماوي الذي جلس فيه المسيح هو الحصن، أو رأس الهيكل. أما هيكل الجسد فله طبيعة دنيا، وهي الجسد أو البدن. وله أيضاً طبيعة عليا، وهي الذهن. وفي الآية العاشرة من الأصحاح الحادي عشر من سفر دانيال، فإن المفتاح الذي يحدد حصن الرؤيا الخارجية يحدد أيضاً حصن الرؤيا الداخلية، وبذلك يعين التاريخ الذي فيه ينتقل قرنا الجمهورية والبروتستانتية إلى صورة الوحش (الجمهورية)، أو إلى صورة الله (البروتستانتية الحقيقية). وعندئذ يصير القرنان كليهما الثامن الخارج من السبعة.

پس شاخ حقیقی پروتستانتیسم، همان شاخ فیلادلفیایی است کہ لشکر عظیم حزقیال و عَلمِ افراشتہ اشعیا در نبرد علیہ صورت وحش است؛ نخست در ایالات متحدہ و سپس در جہان. دانیال یازدہ، آیہ دہ، آن نقطہ در تاریخ مقدس را مشخص می‌سازد کہ در آن، پیوستن چوب‌ها آغاز می‌شود. جنگ اوکراین در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، اما تا سال ۲۰۲۲ نبود کہ روسیہ تہاجم بہ اوکراین را آغاز کرد. در سال ۲۰۲۳، بیست و دو سال پس از ۲۰۰۱، میکائیل کار خود را برای برخیزانیدن کسانی آغاز کرد کہ در تحقق مَثَل دہ باکرہ در سال ۲۰۲۰، نخستین نومیدی خود را متحمل شدہ بودند. او نخست »آوازی« را برافراشت کہ اکنون در بیابان ندا می‌دہد. در ژوئیہ ۲۰۲۳، آن آواز بہ ندا دادن آغاز کرد، و همان آوازی بود کہ در آغاز جنبش اصلاحی فرشتہ سوم در سال ۱۹۸۹ برانگیختہ شد، زیرا عیسی ہموارہ پایان را با آغاز بہ تصویر می‌کشد.

بیابان میں پکارنے والی ”آواز“ نے مکاشفہ کے پہلے باب کو پیش کرنے کے ذریعے گونجنا شروع کیا، جہاں الوہیت اور انسانیت کے امتزاج کو یسوع مسیح کے مکاشفہ کے طور پر ظاہر کیا گیا ہے، ایک ایسا مکاشفہ جو مہلت آزمائش کے بند ہونے سے عین پہلے کھولا جاتا ہے۔ دانی ایل نے دسویں باب میں، ”سببی“ رویا کے ساتھ، اسی مکاشفہ کا تجربہ کیا۔ مکاشفہ کی ابتدائی آیات میں الوہیت اور انسانیت کا امتزاج، ”اولین ذکر“ کے اصول کی بنیاد پر، نہایت اہم سچائی کی نمائندگی کرتا ہے۔ الوہیت اور انسانیت کا یہ امتزاج،

جو ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر بندی ہے، خدا کے کلام کے وسیلہ سے انجام پاتا ہے۔ وہ کلام باپ کی طرف سے بیٹے کو دیا جاتا ہے، جو اسے اپنے فرشتہ کو دیتا ہے، اور پھر وہ فرشتہ اس پیغام کو ایک انسانی نمائندہ کو دے دیتا ہے۔ پہلے دو مراحل الوہیت کی نمائندگی کرتے ہیں۔ ان دو مراحل میں یہ امتیاز پایا جاتا ہے کہ الوہیت کا دوسرا مرحلہ اُس الوہیت کی نمائندگی کرتا ہے جس نے سب چیزوں کو پیدا کیا۔ اگلے دو مراحل خدا کی مخلوقات کے ذریعہ ظاہر کیے گئے ہیں۔ پہلا مرحلہ ایک غیر ساقط فرشتہ ہے، اور خدا کی تخلیق کا دوسرا ظہور وہ تھا جسے اپنی جنس کے مطابق ازسرنو پیدا کرنے کی قدرت دی گئی تھی۔ پھر اس چوتھے مرحلے کو، جو انسانیت کی نمائندگی کرتا ہے، یہ پیغام لے کر کلیسیاؤں کو بھیجنا تھا، تاکہ کلیسیائیں اُن باتوں کو ”پڑھیں اور سنیں“ جو اُس میں لکھی گئی تھیں۔

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

مکاشفہ عیسیٰ مسیح، کہ خدا اُن را بدو عطا فرمود تا اموری را کہ می باید بہ زودی واقع شود بہ بندگان خود بنمایاند؛ و اُن را بہ وسیلہ فرشتہ خویش فرستاد و بر غلام خود یوحنا ظاہر ساخت؛ او کہ بر کلام خدا و بر شہادت عیسیٰ مسیح و بر ہمہ آنچه دید گواہی داد۔ خوشا بہ حال اُن کہ می خواند، و آنان کہ سخنان این نبوت را می شنوند و آنچه را در اُن نوشتہ شدہ است نگاہ می دارند، زیرا وقت نزدیک است۔ یوحنا، بہ ہفت کلیسائی کہ در آسیا ہستند: فیض و سلامتی بر شما باد، از جانب او کہ ہست و بود و می آید؛ و از جانب ہفت روحی کہ در پیشگاہ تخت اویند؛ و از جانب عیسیٰ مسیح، کہ شاہد امین و نخست زادہ مردگان و فرمانروای پادشاہان زمین است۔ او کہ ما را محبت نمود و ما را از گناہانمان بہ خون خود شست، و ما را برای خدا و پدر خویش پادشاہان و کاهنان گردانید، او را جلال و سلطنت باد تا ابدالآباد۔ آمین۔ اینک، با ابرہا می آید، و ہر چشمی او را خواہد دید، و آنان نیز کہ او را نیزہ زدند؛ و ہمہ قبایل زمین بہ سبب او ماتم خواہند کرد۔ آری، آمین۔ من الفا و امگا ہستم، ابتدا و انتہا، خداوند می گوید، اُن کہ ہست و بود و می آید، قادر مطلق۔ من، یوحنا، کہ برادر شما و شریک شما در مصیبت و در پادشاہی و صبر عیسیٰ مسیح نیز ہستم، بہ سبب کلام خدا و شہادت عیسیٰ مسیح، در جزیرہ ای بودم کہ پطمس نام دارد۔ در روز خداوند در روح بودم، و از پشت سر خود آوازی بلند، چون صدای کرنا شنیدم، کہ می گفت: من الفا و امگا، اول و آخر ہستم؛ و آنچه را می بینی، در کتابی بنویس و اُن را بہ ہفت کلیسائی کہ در آسیا ہستند بفرست: بہ افسس، و بہ اسمیرنا، و بہ پرمگامس، و بہ طیاتیرا، و بہ ساردس، و بہ فیلادلفیہ، و بہ لائودکیہ۔ مکاشفہ ۱: ۱-۱۱۔